

## اوراق دولتی

## روی دست دولت ماند

دومین حراج اوراق مالی اسلامی دولت در سال ۱۴۰۵ با استقبال محدود خریداران همراه شد و تنها حدود یک‌سوم اوراق عرضه‌شده به فروش رسید. کاهش مشارکت بانک‌ها و افت نسبت فروش به عرضه، این پرسش را مطرح کرده که دولت در آینده نزدیک برای تامین مالی کسری بودجه تا چه اندازه می‌تواند روی بازار بدهی حساب باز کند؟

نتایج جدیدترین حراجی که برگزار شده نشان می‌دهد که حجم اوراق خریداری شده به مراتب کمتر از حجم عرضه شده بوده است. نتایج دومین حراج چه سیگنالی از درامدهای دولت از محل فروش اوراق در آینده نزدیک می‌دهد؟ در دومین حراج اوراق دولتی تنها ۲ بانک و موسسه اعتباری غیربانکی شرکت‌کننده حضور داشته‌اند و ارزش سفارش‌های ارسال‌شده توسط آن‌ها که از طریق کارگزاری بانک مرکزی ارسال شده یک هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان برای اراد ۲۸۴ بوده که وزارت اقتصاد و دارائی با آن موافقت نکرده است. دلیل این امر نیز احتمالا قیمت پایین پیشنهادی و در نتیجه درخواست نرخ بازده تا سررسید بالاتر است. با این‌حال بانک‌ها یا دیگر نهادهای مالی که از طریق کارگزاری غیر از بانک مرکزی تقاضای خرید اوراق دولتی را ثبت کرده موفق به خرید شده‌اند. از طرف دیگر دلیل اصلی اینکه مشارکت بانک‌ها در حراج اوراق دولتی اهمیت دارد این است که بانک‌ها مشتری اصلی اوراق کمتر جذاب دولتی در شرایط تورمی کنونی اقتصاد ایران است. به عبارتی نهادهای مالی فعال در بازار سرمایه با اینکه به لحاظ قانونی موظف به خرید اوراق دولتی هستند اما چندان تمایلی به خرید مازاد ندارند، چون نرخ بازده تا سررسید اوراق دولتی اغلب خیلی پایین‌تر از نرخ‌های بازار است.

## دلار هر روز ۵ هزار تومان از دست داد

ریزش در بازار طلا، ارز و سکه به روز چهارم رسید؛ طی چهار روز ابتدایی هفته قیمت دلار ۲۰ هزار تومان ریزش داشته یعنی به طور متوسط هر روز ۵ هزار تومان، همچنین قیمت سکه نسبت به چهارشنبه هفته گذشته ۲۰ میلیون از دست داد که هر روز به طور متوسط ۵ میلیون از دست داده است. در روز سه‌شنبه قیمت هر مثقال طلای آبشده با ریزش دلار همراهی کرد و به زیر کانال ۶۸ میلیون رفت.

به عقیده تحلیلگران این رفتار بازار خارج از چارچوب‌های تحلیل تکنیکال بوده و حتی نگاهی به اشیاع فروش و واگرایی نداشته است. نقدها امروز معطوف به تحلیلگران بود



چرا ریزش بازار خارج از تحلیل آن‌ها بود و خریداران متضرر شده بودند. اختلال در سیستم بانکی امروز هم بحث داغ بازار بود. برخی در بازار معتقد بودند که سطوح فعلی فرصت خرید می‌توانست باشد اما اختلال در سیستم بانکی اجازه ورود به خریدار نداد. ریزش در بازار طلا و دلار در حالی اتفاق افتاده که قیمت نقره نسبت به این بازارها ریزش نداشته و وضعیت رنجی را پشت سر گذاشته است. بر این اساس با توجه به ریزش دلار حباب نقره بالا رفته.

سوال مهم بازار؛ کف قیمت دلار کجاست؟ جواب ساده: با این مدل ریزش بازار، قیمت دلار کف ندارد.

## بازگشت نفت به نقطه آغازین

## نفت برنت ۷۹ دلاری شد

بازارها امروز در انتظار تصمیم و سیگنال‌های فدرال رزرو هستند؛ جایی که بسیاری از تحلیلگران معتقدند یک پله کاهش نرخ بهره پیش‌تر در قیمت‌ها منعکس شده است. در بازار فلزات گرانبها نیز پس از فاصله گرفتن از قله ۴۰۷۰ دلاری، احتمال بازگشت دوباره قیمت‌ها به این سطح در کوتاه‌مدت کاهش یافته است. اما مهم‌ترین روایت این روزهای بازارها به نفت تعلق دارد؛ بازاری که برخلاف پیش‌بینی بسیاری از تحلیلگران، به سطوح روزهای ابتدایی جنگ بازگشته و فعلاً خبری از سناریوی نفت ۲۰۰ دلاری نیست.

بورس نیز با وجود کاهش هیجان نسبت به روزهای گذشته، به روند صعودی خود ادامه داد و شاخص کل حدود یک درصد رشد کرد. در مجموع بازارهای جهانی در انتظار جلسه FOMC و بازارهای داخلی نیز چشم به توافق احتمالی دارند.

در میان تلی از آوار سرد و فولادهای تاب‌خورده، جایی که تا همین چندی پیش قلب تپنده تکنولوژی فضایی کشور بود، حالا تنها اسکلتی سیاه از ساختمان باقی مانده است. از میان دیوارهای سوخته و فروریخته و سقف دهان‌باز کرده، شهر تهران با آرامش در زیر آفتاب می‌خزد؛ اما در این‌سوی مرزهای بتنی، داستانی از کینه‌ای



عمیق و مقاومتی استوار روایت می‌شود.

اینجا پژوهشگاه فضایی ایران است؛ جایی که دشمن قصد داشت با یک ضربه، آرزوهای فضایی یک ملت را به خاکستر تبدیل کند، اما در محاسباتش یک «سرمایه نامرئی» را فراموش کرده بود: دانش بومی.

هر بار که از کنار اتوبان شیخ فضل الله می‌گذرم، ساختمان عظیمی جلویم سبز می‌شود که نمی‌ای آن آوار شده، رد موشک بخشی از ساختمان گرد، آن را تا طبقات میانی شکافته بود و سینه اش از زخم کینه فراخ، ساختمان پژوهشگاه فضایی درست کنار همین اتوبان با همان چهره نزارش فریاد می‌زدند: به کدامین گناه.

درست ساعت ۲۲:۰۰ شامگاه ۲۰ اسفند ۱۴۰۵

این ساختمان مورد اصابت موشک‌های دشمن آمریکایی- صهیونیستی قرار گرفت، هیچ کس علت آن را ندانست، اکنون که بیش از سه ماه از آن شب می‌گذارد، هنوز هم کسی نمی‌داند گناه یک مرکز پژوهشی که کاری جز دستیابی به مطالعات و آخرین یافته‌های علمی ندارد، چه بود که دشمن از آن کینه داشت.

حالا فرصتی دست داد تا در بازپدیدی که برای رسانه‌ها ترتیب داده شده، با روی آوار ساختمان بگذاریم، وسط آجرهای ریخته اش، دیوارهای شکافته اش، سقف آماده ریزشش، پله‌های نیمه سالمش قدم بزینم، سرک بکشیم بین خرابه‌ها و بدانیم که کینه دنبال جلوگیری از پژوهش نبود، دنبال نابودی سرمایه‌ای بود که فکر می‌کرد زندگی پژوهشگرانش به آن وابسته است، بی‌آنکه فکر کند، سرمایه ایران نه ساختمان‌هایش که مغزها و فکرها‌یی است که چنین بنایی را ساخته بودند و باز هم وطن را می‌سازند اگرچه با خشت جان خویش.

گوشه‌ای ایستاده است؛ کمی دورتر از هیاهوی دوربین‌های رسانه‌ها. نگاهش را به طبقاتی دوخته که حالا دیگر نه سقف دارند و نه دیوار؛ فقط حفره‌هایی بزرگ که گویی زخمی دهان‌باز کرده بر پیشانی ساختمان هستند. هر از چند گاهی، دستش به گوشی تلفن می‌رود؛ نتیجه یک پژوهش را پیگیر می‌شود. برای او که ۲۰ سال از عمرش را در همین اتاق‌ها صبح را به شب رسانده، اینجا فقط یک «محل کار» نبود؛ اینجا شناسنامه حرفه‌ای‌اش بود.

وقتی از او می‌پرسم چه حسی دارد، مکثی می‌کند، به آوار ساختمان روبرویش، به ستون های فلزی لخت جلوی چشمش‌اش و تکه‌های بتن زیر پایش نگاه می‌کند و می‌گوید: وقتی این ساختمان را زدن، بخشی از وجود هم درگیر

شد. اینجا محل مطالعه تکانه‌های زمین، لایه‌های زمین‌شناسی و خشکسالی، ساخت، پرداخت، طراحی و دریافت اطلاعات ماهواره‌ای بود؛ ما از این پایین توی همین ساختمانی که حالا نیست، از آن بالا، از آسمان، دردهای این کشور را می‌دیدیم و برای درمانش نسخه می‌نوشتیم. اینجا خانه ما بود، آوار که شد، خانه‌مان روی سرمان آوار شد.



او این‌طور ادامه می‌دهد: دشمن فکر کرد اگر ساختمان را بزنند، ما تمام می‌شویم. آن‌ها نمی‌دانند که ما اینجا با جان و دل کار می‌کردیم؛ اینجا جایی بود که امید هزاران نفر برای توسعه فناوری کشور در آن گره خورده بود. برای ما این تخریب، فراتر از یک اتفاق نظامی بود؛ این یک جنایت علیه پیشرفت بود. هر روز با این شوق و علاقه بیدار می‌شدم که امروز هم قرار است کاری بکنم، اطلاعاتی که مثل دیروز نیست، آینده نیست اما آینده کشور را می‌سازد، لحظه‌ها را پیش از وقوع می‌پیماید، به دست ما می‌رسد و ما می‌دانیم که چه ثانیه‌هایی را در پیش داریم، هنوز هم این کار را انجام می‌دهیم، اما نه در این آوار و این ساختمان ویران، جایی دیگر اگرچه هنوز دلمان در خشت به خشت این ساختمان است.

**شب زبانه کشیدن شعله‌های کینه**  
مرد صدای اصابت بلندی را شنید، نه آنقدر بلند که بداند انفجار است و نه آنقدر کوتاه که فکر کند شیشه‌ای شکسته که صدای شکستن شیشه هم در آن بود، را دفتر نگهبانی بیرون آمد تا سرکی بکشد، گنبد شیشه‌ای شکسته بود، درست لحظه‌ای که داشت شکستن گنبد شیشه‌ای را هم می‌کرد، موج انفجار او را از زمین کند و به گوشه‌ای انداخت، بعدها فهمید که دست خدا همراهش بوده که بر اثر موج انفجار دوم افتاده توی جوی آب کنار اتوبان و ورقه‌ای آهنی رویش! و اینطور ترکش‌ها به تنش نخوره و سالم مانده.

مرد نگهبان تعریف می‌کرد: فکر کنم چهار دقیقه گیج بودم، از لحظه‌ای که پرت شدم تا به خودم بیایم و صدای خراب شدن ساختمان روی سرم تمام شود، فقط چهار دقیقه.

مرد نگهبان تنها شاهد لحظه حمله به ساختمان گرد و شیشه‌ای پژوهشگاه فضایی است، چند خراش بیشتر برداشته، هنوز هم توی دفتر نگهبانی کار می‌کند و مشغول است.

مهدی مکاری، رئیس پژوهشگاه که نیم‌ساعت بعد از انفجار در محل حاضر شده بود، روایت آن شب را با تلخی خاصی و البته با محافظه‌کاری تمام بازگو می‌کند. عقربه‌های ساعت، ساعت ۲۲ و چند دقیقه را نشان می‌داد که او به صحنه رسید. می‌گوید: سخت بود دیدن لحظاتی که ثروت یک ملت زیر آتش یک کینه می‌سوخت. ما که اینجا کار نظامی انجام نمی‌دادیم، برابم قابل درک نبود، اگرچه از قبل آماده باش بودیم.

دشمن یادش نبود، آن‌ها سقف بالای سر پژوهشگران هوافضا را برداشتنند، حالا اما دشتشان به آسمان نزدیک‌تر است.

داشت به تندی به آوار خروارده می‌رفت. اگر کسی در این آوار می‌ایستاد، درایت قبلی، تجهیزات حیاتی را خارج کرده بودیم و نیروها دورکار بودند، اما این ساختمان برای ما «سقف آرزوها» بود. هر زبانه آتشی که بلند می‌شد، گویی دشمن داشت آرزوهای یک تیم پژوهشی جوان و متخصص را به بازی می‌گرفت. کور خوانده، مگر آرزو را می‌شود توی یک ساختمان خلاصه کرد، ساختمان را زدی، کجای دلت علاقه به پژوهش نیروهای جوان و نجبه ایرانی را جای می‌دهی، دلم می‌سوزد که این ساختمان بخشی از سرمایه و ثروت ملی است، این جمله را هم مکاری که حالا بین خبرنگاران و عکاسان ایستاده می‌گوید.

### تور خرابی؛ پیاده‌روی در میان ویرانه‌ها

همراه با احمد سلیمانی، مسئول توسعه خدمات فضایی، پا به داخل ساختمان می‌گذاریم. فضای داخل، صحنه‌ای سوزنال است؛ جایی که تا دیروز نمایشگاهی از دستاوردهای صلح‌آمیز فضایی بود، حالا به گورستانی از ادوات دقیق علمی بدل شده است.

سلیمانی از میان آهن‌پاره‌ها عبور می‌کند؛ او اینجا را نقطه به نقطه می‌شناسد. در میان خرابی‌ها، او با دست اشاره می‌کند که فلان بخش، محل نمایش بلوک انتقال مداری بوده و آن دیگری، جایی برای تست زیرسیستم‌های ماهواره‌ای و آن قسمت هم که ماکت های ماهواره و پهبادهای خراب شده را می‌بینید، نمایشگاه هوافضا.

او تاکید می‌کند: اینجا هیچ فعالیت نظامی نداشت. اینجا نمایشگاهی بود برای مردم و مسئولین، تا ببینند متخصصان ایرانی چطور از صفر تا ۱۰۰ ماهواره را می‌سازند. چرا باید این حجم از خسومت متوجه مجموعه‌ای شود که حتی خدمات پوست پهبادی‌اش برای مناطق دوردست و سمپاشی کشاورزی استفاده می‌شد؟

### پارادوکس ویرانی؛

### چرا دشمن شکست خورد؟

در حالی که در حال عبور از راهروهای نیمه‌سوخته و نیمه ویران هستیم، تحلیل راهبردی سلیمانی به میان می‌آید. نکته‌ای که «آوار» را به «پروژه‌ی» تبدیل می‌کند. او می‌گوید: دشمن برای توقف برنامه هفتم توسعه و رسیدن ما به افق ۱۴۰۷، این ساختمان را زد. اما آن‌ها در محاسبات‌شان «رسوب دانش» را ندیدند.

او معتقد است صنعت فضایی ایران اکنون از مرحله اکتساب فناوری عبور کرده و به مرحله کاربست رسیده است. به زبان ساده، آن دانشمندی که آزمایشگاهش سوخته، علمش را در سر دارد. سلیمانی با اطمینان می‌گوید: حتی اگر ساختمان را از ما بگیرند، دانش مهندسی در ذهن متخصصان ما رسوب کرده است. ما با استفاده از نقاط اطمینان و مجموعه‌های موازی که در نقاط دیگر داریم، می‌توانیم در کوتاه‌ترین زمان، به خط تولید بازگردیم. هر زیرسیستمی که آسیب دیده، فردا دوباره ساخته می‌شود؛ زیرا فرمول آن در دستان ماست.

### آسمان؛ سقف بی‌پایان

بازدید ما در حالی به پایان می‌رسد که آفتاب ظهر روزهای پایانی خرداد بی رحمانه می‌تابد، و می‌شود اما از میان سقف و دیوارهای نیمه ویران پژوهشگاه نور را درون آن دید بازی سایه‌ها را تماشا کرد و این امید را داشت که اگر بنا ریخته، بناً که هنوز زنده است و معماری می‌کند. بیرون از این ساختمان، ماهواره «ناهید ۲» در مدار است و همچنان به خدمات فضایی ادامه می‌دهد؛ پروژه «ناهید ۳» در فازطراحی است و «پارس ۳» با دقت یک‌متری‌اش، در انتظار پرتاب نشسته.

اینجا، زیر این ویرانه‌ها، حقیقت بزرگی نهفته است، دشمن توانست ساختمان را آوار کند، اما نتوانست پژوهشگاه را متوقف کند. پژوهشگاه، یک بنای فیزیکی نبود؛ یک فکر بود، یک اراده و یک دانش که حالا در همه‌جای ایران پخش شده است.

دشمن یادش نبود، آن‌ها سقف بالای سر پژوهشگران هوافضا را برداشتنند، حالا اما دشتشان به آسمان نزدیک‌تر است.

## تزریق چهار هزار میلیاردی کالابرگ الکترونیکی در جنگ رمضان

شفیعی افزود: در مقاطعی مانند ماه رمضان، عید نوروز و همچنین دوران جنگ، به دلیل افزایش تقاضا، فشار مضاعفی بر بازار وارد شد. با این حال، دولت برای حمایت از معیشت مردم حدود چهار هزار میلیارد تومان اعتبار کالابرگ الکترونیکی در استان

تزریق کرد تا خانوارها بتوانند کالاهای اساسی مورد نیاز خود را تهیه کنند. رئیس جهاد کشاورزی استان گفت: خوشبختانه در این مدت هیچ‌گونه کمبودی در زمینه گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، روغن، حبوبات و سایر کالاهای اساسی وجود نداشت و تولیدکنندگان نیز با وجود همه مشکلات به فعالیت خود ادامه دادند. وی ادامه داد: افزایش قیمت‌ها بیشتر ناشی از رشد هزینه‌های تولید است. پس از حذف ارز ترجیحی، قیمت نهاده‌های دامی، دارو، واکسن و سایر مؤلفه‌های تولید افزایش یافت. همچنین هزینه‌های حمل‌ونقل، انرژی و دستمزد نیروی کار نیز رشد کرده است. طبیعی است که با افزایش هزینه‌های تولید، قیمت تمام‌شده محصولات نیز بالا برود. البته تأکید می‌کنم که گرانی به معنای

که داشت به تندی به آوار خروارده می‌رفت. اگر کسی در این آوار می‌ایستاد، درایت قبلی، تجهیزات حیاتی را خارج کرده بودیم و نیروها دورکار بودند، اما این ساختمان برای ما «سقف آرزوها» بود. هر زبانه آتشی که بلند می‌شد، گویی دشمن داشت آرزوهای یک تیم پژوهشی جوان و متخصص را به بازی می‌گرفت. کور خوانده، مگر آرزو را می‌شود توی یک ساختمان خلاصه کرد، ساختمان را زدی، کجای دلت علاقه به پژوهش نیروهای جوان و نجبه ایرانی را جای می‌دهی، دلم می‌سوزد که این ساختمان بخشی از سرمایه و ثروت ملی است، این جمله را هم مکاری که حالا بین خبرنگاران و عکاسان ایستاده می‌گوید.

تور خرابی؛ پیاده‌روی در میان ویرانه‌ها همراه با احمد سلیمانی، مسئول توسعه خدمات فضایی، پا به داخل ساختمان می‌گذاریم. فضای داخل، صحنه‌ای سوزنال است؛ جایی که تا دیروز نمایشگاهی از دستاوردهای صلح‌آمیز فضایی بود، حالا به گورستانی از ادوات دقیق علمی بدل شده است.

سلیمانی از میان آهن‌پاره‌ها عبور می‌کند؛ او اینجا را نقطه به نقطه می‌شناسد. در میان خرابی‌ها، او با دست اشاره می‌کند که فلان بخش، محل نمایش بلوک انتقال مداری بوده و آن دیگری، جایی برای تست زیرسیستم‌های ماهواره‌ای و آن قسمت هم که ماکت های ماهواره و پهبادهای خراب شده را می‌بینید، نمایشگاه هوافضا. او تاکید می‌کند: اینجا هیچ فعالیت نظامی نداشت. اینجا نمایشگاهی بود برای مردم و مسئولین، تا ببینند متخصصان ایرانی چطور از صفر تا ۱۰۰ ماهواره را می‌سازند. چرا باید این حجم از خسومت متوجه مجموعه‌ای شود که حتی خدمات پوست پهبادی‌اش برای مناطق دوردست و سمپاشی کشاورزی استفاده می‌شد؟

پارادوکس ویرانی؛ چرا دشمن شکست خورد؟ در حالی که در حال عبور از راهروهای نیمه‌سوخته و نیمه ویران هستیم، تحلیل راهبردی سلیمانی به میان می‌آید. نکته‌ای که «آوار» را به «پروژه‌ی» تبدیل می‌کند. او می‌گوید: دشمن برای توقف برنامه هفتم توسعه و رسیدن ما به افق ۱۴۰۷، این ساختمان را زد. اما آن‌ها در محاسبات‌شان «رسوب دانش» را ندیدند.

او معتقد است صنعت فضایی ایران اکنون از مرحله اکتساب فناوری عبور کرده و به مرحله کاربست رسیده است. به زبان ساده، آن دانشمندی که آزمایشگاهش سوخته، علمش را در سر دارد. سلیمانی با اطمینان می‌گوید: حتی اگر ساختمان را از ما بگیرند، دانش مهندسی در ذهن متخصصان ما رسوب کرده است. ما با استفاده از نقاط اطمینان و مجموعه‌های موازی که در نقاط دیگر داریم، می‌توانیم در کوتاه‌ترین زمان، به خط تولید بازگردیم. هر زیرسیستمی که آسیب دیده، فردا دوباره ساخته می‌شود؛ زیرا فرمول آن در دستان ماست.

### آسمان؛ سقف بی‌پایان

بازدید ما در حالی به پایان می‌رسد که آفتاب ظهر روزهای پایانی خرداد بی رحمانه می‌تابد، و می‌شود اما از میان سقف و دیوارهای نیمه ویران پژوهشگاه نور را درون آن دید بازی سایه‌ها را تماشا کرد و این امید را داشت که اگر بنا ریخته، بناً که هنوز زنده است و معماری می‌کند. بیرون از این ساختمان، ماهواره «ناهید ۲» در مدار است و همچنان به خدمات فضایی ادامه می‌دهد؛ پروژه «ناهید ۳» در فازطراحی است و «پارس ۳» با دقت یک‌متری‌اش، در انتظار پرتاب نشسته.

اینجا، زیر این ویرانه‌ها، حقیقت بزرگی نهفته است، دشمن توانست ساختمان را آوار کند، اما نتوانست پژوهشگاه را متوقف کند. پژوهشگاه، یک بنای فیزیکی نبود؛ یک فکر بود، یک اراده و یک دانش که حالا در همه‌جای ایران پخش شده است.



درصد حفظ کرد. تصمیمی که با رأی موافق تمامی ۱۲ عضو کمیته به تصویب رسید و نشانی داد سیاست‌گذاران پولی آمریکا همچنان در برابر کاهش بیشتر نرخ‌های بهره محتاط هستند. همچنین به نظر می‌رسد کوین وارش در اولین جلسه‌ی خود به عنوان رئیس جدید بانک مرکزی فدرال رزرو، در به اجماع رساندن اعضا موفقیت‌آمیز عمل کرده است.

در بیانیه فدرال رزرو تأکید شده است که اقتصاد آمریکا با وجود تداوم نااطمینانی‌ها، به‌ویژه ناشی از تنش‌های خاورمیانه، همچنان با سرعتی مناسب در حال رشد است. بانک مرکزی آمریکا اعلام کرد رشد بهره‌وری و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها قوی باقی مانده و بازار کار نیز همچنان وضعیت باثباتی دارد؛ به‌گونه‌ای که اشتغال همگام با رشد نیروی کار افزایش یافته و نرخ بیکاری تغییر محسوسی نداشته است.

با این حال، فدرال رزرو معتقد است که تورم همچنان بالاتر از هدف ۲ درصدی این نهاد قرار دارد. به گفته سیاست‌گذاران، بخشی از فشارهای تورمی ناشی از شوک‌های عرضه و افزایش قیمت در برخی بخش‌ها از جمله انرژی است. از همین رو، کمیته تأکید کرد که همچنان متعهد به بازگرداندن تورم به هدف ۲ درصدی است.

## هشدار اکو درباره تشدید بیابان‌زایی در منطقه

صرب شد که می‌تواند زمینه ساز تقویت همکاری های مشترک در حوزه محیط زیست باشد، همچنین در بیانیه سمرقند، بیابان زایی و چالش های زیست محیطی منطقه به عنوان یک



تهدید مشترک برای سلامت انسان ها و توسعه پایدار مورد تاکید است.

دبیرکل سازمان اکو با اشاره به اهمیت پروژه‌های مشترک زیست‌محیطی افزود: طرح هایی مانند کمربند سبز فرودگاهی و پروژه‌های مشابه آن نمونه ای از اقدامات عملی در مسیر مقابله با بیابان زایی هستند که می‌توانند به افزایش تاب آوری زیست محیطی کمک کنند. ایران در اجرای پروژه‌هایی مانند توسعه فضای سبز و طرح کمربند سبز فرودگاه امام خمینی (ره) اقدامات ارزشمندی انجام داده که می‌تواند به عنوان الگو در سطح منطقه مورد استفاده قرار گیرد.

مجیدخان گفت: زمین بستر مشترک حیات بشر است و حفاظت از آن نیازمند تعهد جمعی، همکاری منطقه‌ای و حرکت به سمت توسعه پایدار است؛ پروژه‌های سبز می‌توانند امیدی برای نسل‌های آینده و الگویی برای همکاری‌های گسترده‌تر در منطقه باشند. وی با تأکید بر نقش دانش، تجربه‌های بومی و همکاری‌های منطقه ای افزود: ترکیب علم و سنت‌های بومی کشورهای منطقه می‌تواند در مدیریت پایدار منابع طبیعی و مقابله با چالش‌های محیط زیستی نقش مؤثری ایفا کند.

## فدرال رزرو نرخ بهره را ثابت نگه داشت

### دات‌پلات چه می‌گوید؟

همزمان با تصمیم نرخ بهره، فدرال رزرو نسخه جدید «چشم‌انداز اقتصادی» و دات‌پلات خود را نیز منتشر کرد. بر اساس پیش‌بینی میانه اعضا، نرخ بهره فدرال تا پایان سال ۲۰۲۶ در سطح ۳٫۸ درصد قرار خواهد گرفت؛ در حالی که این رقم در پیش‌بینی ماه مارس ۳٫۴ درصد بود. این تغییر نشان می‌دهد اعضای فدرال رزرو اکنون انتظار دارند روند کاهش نرخ بهره کندتر از برآوردهای قبلی باشد.

همچنین نرخ بهره در پایان سال ۲۰۲۷ معادل ۳٫۶ درصد و در سال ۲۰۲۸ برابر ۳٫۴ درصد پیش‌بینی شده است که نسبت به برآوردهای قبلی در سطوح بالاتری قرار دارد. این موضوع بیانگر آن است که سیاست‌گذاران آمریکایی نرخ بهره تعادلی اقتصاد را بالاتر از گذشته ارزیابی می‌کنند.

### تورم بالاتر، کاهش نرخ بهره کمتر

بر اساس پیش‌بینی‌های جدید، تورم PCE در سال ۲۰۲۶ به ۳٫۶ درصد خواهد رسید؛ رقمی که نسبت به برآورد ۲٫۷ درصدی ماه مارس جهش قابل توجهی داشته است. تورم هسته نیز برای سال جاری ۳٫۳ درصد پیش‌بینی شده که از برآورد قبلی ۲٫۷ درصد بالاتر است.

در مقابل، چشم‌انداز رشد اقتصادی تغییر چندانی نداشته و فدرال رزرو رشد تولید ناخالص داخلی آمریکا را برای سال ۲۰۲۶ معادل ۲٫۲ درصد برآورد کرده است. نرخ بیکاری نیز در سطح ۴٫۳ درصد پیش‌بینی شده که نشان می‌دهد سیاست‌گذاران همچنان انتظار ضعف قابل توجهی در بازار کار ندارند.

### پیام نشست ژوئن برای بازارها

مجموعه بیانیه و پیش‌بینی‌های جدید فدرال رزرو نشان می‌دهد اگرچه چرخه کاهش نرخ بهره آغاز شده، اما بانک مرکزی آمریکا به دلیل تداوم فشارهای تورمی و مقاومت اقتصاد، عجله‌ای برای کاهش سریع‌تر نرخ‌ها ندارد. افزایش برآورد تورم و بالا رفتن مسیر مورد انتظار نرخ بهره در دات‌پلات، پیامی نسبتاً اقباضی برای بازارها محسوب می‌شود و می‌تواند انتظارات مربوط به کاهش سریع نرخ بهره در سال‌های آینده را تعدیل کند.

### امام‌زاده (بزرگ) سراب—سراب—آذربایجان شرقی

